

چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی در مهندسی فرهنگ انسجام و وحدت در جهان اسلام

امیر محسن عرفان*

چکیده

جستاری که در پی می‌آید تلاشی در بازنمود چالش‌ها و موانع مهندسی فرهنگی در عرصه انسجام و وحدت در جهان اسلام است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته، و بر حسب دستاورد یا نتیجه تحقیق از نوع توسعه‌ای - کاربردی و از لحاظ هدف تحقیق از نوع اکتشافی و به لحاظ نوع داده‌های مورد استفاده، یک تحقیق کیفی است. نتایج حاصل از تحلیل و ترکیب داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که «تعارضات ایدئولوژیک فرهنگی»، و «چندفرهنگی‌گرایی در جهان اسلام»، «شکاف بین تغییرها و تدبیرهای فرهنگی»، «حاکمیت ساختار قومی و قبیله‌ای» «فقدان درک مشترک فرهنگی از وحدت و انسجام»، «حاکمیت نگرش امنیتی به مطالبات قومی و مذهبی» از جمله موارد مهم در چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی در مهندسی فرهنگی وحدت و انسجام در جهان اسلام است. این پژوهش «امکان‌پذیری روبرویی با چالش‌ها» را یکی از مهم‌ترین برون‌داده‌های بازنمایی این چالش‌ها می‌داند.

واژگان کلیدی

وحدت، انسجام، مهندسی فرهنگی، جمهوری اسلامی، چالش.

۱. طرح مسئله

رویکرد و تجدید حیات اسلامی و بیداری مسلمانان و یا بازسازی تفکر دینی، با طرح اتحاد اسلامی و تقریب مذاهب، در دو سه قرن اخیر از طرف رهبران، مصلحان و متفکران دینی جهان اسلام و جمهوری اسلامی در روزگار معاصر به منظور حل و رفع مسئله عقب‌ماندگی و انحطاط داخلی و نیز برخورد با هجوم فرهنگ و تمدن غرب دنبال شد. (موثقی، ۱۳۸۹: ۳۹)

اگرچه وحدت و تقریب مذاهب اسلامی که از آرزوهای دیرینه متفکران و مصلحان مسلمان بود و در مسیر احیای تفکر دینی و جلوگیری از تشتت درونی و هجوم بیرونی فرهنگ غرب شکل گرفته بود، هنوز به صورت ایده‌آل در جهان اسلام تحقق نیافته است. شاید یکی از مشکلات فراوری تحقق این طرح، تفسیرها و برداشت‌های گوناگونی است که از وحدت و تقریب مذاهب اسلامی به عمل می‌آید. به‌هرروی احیای تمدن اسلامی در روزگار کنونی، نیازمند جریان امت‌گرای اسلامی است. جریانی که اندیشه‌ها و دغدغه‌هایش از «سطح ملی» فراتر رفته، «امت اسلامی» موضوع اصلی دغدغه‌ورانش باشد.

جمهوری اسلامی انسجام و وحدت جهان اسلام را مهم‌ترین رسالت خویش می‌داند. در این زمینه بایسته است اشاره کنیم که بسیاری از تلاش‌ها و اقدامات و برنامه‌ریزی‌ها به دلیل عدم توجه کافی به موانع و چالش‌های فرارو و نیز عدم توجه کافی به آسیب‌ها به نتیجه مطلوب نمی‌رسند و یا کم نتیجه می‌دهند و گاهی نیز به نتایج عکس منجر می‌شود در این زمینه می‌توان به ترجمه غیر هدفمند برخی کتاب‌ها در جهان اسلام اشاره کرد؛ از این‌رو پرداختن به چنین موضوعی از مهم‌ترین مباحث در عرصه انسجام اسلامی می‌باشد.

در این نوشتار فرض بر این بوده است که تعمیق فرهنگی انسجام اسلامی در جهان اسلام با موانع و چالش‌هایی روبرو است. از این‌رو برای نشان دادن صحت این استدلال تلاش می‌شود که نشان داده شود: مهم‌ترین الزامات مهندسی فرهنگی انسجام اسلامی چه می‌باشد؟ مهم‌ترین چالش‌ها و موانع پیش‌روی جمهوری اسلامی در این زمینه چیست؟

۲. پیشینه

با وجود پرشمار بودن بعضی نوشته‌ها در موضوع اتحاد و انسجام اسلامی، نوعاً فاقد رویکرد چالش‌شناسی انسجام در حوزه مهندسی فرهنگی هستند. حتی عالمانه‌ترین نگاشته‌ها، گاهی به دلایلی مانند توجه به بعد و ابعاد خاصی از موضوع، مثلاً رویکرد تاریخی و فروگذار کردن یا نادیده گرفتن همه ابعاد، ناقص‌اند. از طرفی، برخی از این نگاشته‌ها، فقط، انعکاس طرز تلقی حوزه خاصی درباره انسجام اسلامی هستند.

حسین جوان آراسته (۱۳۹۳) در مقاله «دولت متحد یا اتحادیه کشورهای اسلامی از آرمان تا واقعیت» که در شماره ۷۳ فصلنامه *حکومت اسلامی* منتشر شده است بر این باور است که با توجه به واقعیات موجود و الزامات بین‌المللی و همچنین وضعیت حاکم بر کشورهای اسلامی، تحقق ایده دولت یکپارچه اسلامی قبل از ظهور حضرت ولی عصر عج تقریباً ناممکن است. وی ایده جایگزینی «اتحادیه کشورهای اسلامی» را مطرح می‌سازد و در این مقاله با رویکرد سیاسی؛ «اختلافات مذهبی»، «پراکندگی کشورهای اسلامی»، «اختلافات زبانی»، «احساسات ناسیونالیستی» و «حکومت‌های استبدادی» را از مهم‌ترین موانع انسجام اسلامی برشمرده است.

بهنام سرخیل (۱۳۹۸) در شماره اول فصلنامه *آینده‌پژوهی ایران*؛ افراط‌گرایی دینی، هویت‌سازی حداقل‌گرا و نفی اجماع‌گرایی، بی‌اعتنایی به وجوه اجتماعی دین در هویت‌سازی جمعی را در مقاله «هویت دینی و آینده همگرایی در جهان اسلام، موانع و راهکارهای پیش‌رو» مورد بررسی قرار داده است. ناصر پورحسین و عبدالمجید سیفی (۱۳۹۴) مهم‌ترین چالش انسجام اسلامی را تفکر سلفی دانسته‌اند. نگارندگان در مقاله «تقابل نئوسلفی‌ها با شیعیان و پیامدهای آن بر اتحاد جهان اسلام» که در شماره ۵۲ فصلنامه *شیعه‌شناسی* منتشر شده است این مهم را مورد واکاوی قرار داده‌اند.

فصلنامه *اندیشه تقریب* مقاله‌ای را با عنوان چالش‌های وحدت و راهبرد رویارویی از محمد عبود پژوهشگر مطالعات اسلامی در مراکش در شماره ۲۰ منتشر کرده است. وی با رویکردی سنتی؛ «قوم‌گرایی»، «کمین‌کفار»، «فتنه‌انگیزی» و «کینه‌ها و بدخواهی» را از مهم‌ترین موانع در این زمینه دانسته است.

از دیدگاه سید داود آقایی و سید محمود حسینی در مقاله «چشم‌اندازی بر ژئوپلیتیک جهان اسلام در بازی قدرت و رهبری جهانی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»؛ تفاوت‌های دیرینه نژادی و قومی، گسستگی ساختار فضای جهان اسلام، مبانی ناهمگون اقتصادی - اجتماعی، اختلافات ارضی از مهم‌ترین چالش‌های تحقق انسجام اسلامی برشمرده شده است. این مقاله در فصلنامه *مطالعات انقلاب اسلامی* شماره ۳۶ منتشر شده است.

یکی از نشانه‌های اهمیت موضوع به‌عنوان واحد تحلیل این مقاله این است که هنوز موضوع این پژوهش به‌طور خاص و با رویکرد مهندسی فرهنگی مورد کاوش قرار گرفته نشده است. این معیار بیانگر اهمیت و گستره موضوع است.

۳. مهندسی فرهنگ انسجام و وحدت در جهان اسلام

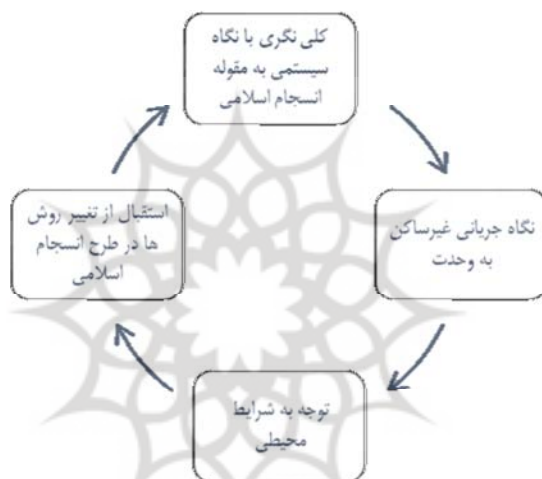
نباید از نظر دور داشت که «مهندسی فرهنگ»^۱ عمل سیستمی است؛ یعنی فرایندی است که هدف آن،

۱. «مهندسی فرهنگ» تعبیری نوپا است که از سال ۱۳۸۱ با توصیه مقام معظم رهبری وارد ادبیات فرهنگی کشور شد. مهندسی در امری مطرح است که هندسه‌پذیر است؛ یعنی می‌توان به آن شکل و فرم دلخواه را داد. (پیروزمند، ۱۳۸۸: ۱۱)

تعیین فرهنگ مطلوب یا فرهنگ هدف است. برای مهندسی فرهنگ وحدت و انسجام، نخست باید فرهنگ آرمانی را شناخت؛ سپس فرهنگ موجود را شناسایی و با توجه به امکانات و محدودیتی محیط درونی و بیرونی، فرهنگ مطلوب را تعیین کرد. (ناظمی، ۱۱: ۱۳۸۵)

مهم‌ترین ویژگی‌های مهندسی فرهنگ وحدت و انسجام در جهان اسلام عبارتند از: کلی‌نگری با نگاه مجموعه‌ای (سیستمی) به فرهنگ وحدت؛ نگاه جریان‌ی (غیرساکن) به فرهنگ انسجام اسلامی؛ توجه به شرایط محیطی و عوامل تأثیرگذار بیرونی بر فرهنگ انسجام اسلامی و استقبال از تغییر جایگاه‌ها و تغییر روش‌ها برای دستیابی به اهداف بهتر (پیروزمند، ۱۳۸۸: ۲۳۲).

نمودار ویژگی‌های مهندسی فرهنگ انسجام و وحدت در جهان اسلام



مهندسی فرهنگ، کوششی سنجیده برای جلوگیری از مشکلات فرهنگی آینده جهان اسلام یا پیش‌گیری از به وجود آمدن اختلافات با طرح و اجرای نقشه‌های دقیق و محدود است.

از نگاهی دیگر، مهندسی فرهنگی جهان اسلام در راستای تحقق امت واحده بدین معناست که نقشه‌ای از فرهنگ جامعه اسلامی طراحی و ترسیم شود، اجزای آن (چه اجزای ثابت و چه اجزای تغییرپذیر) از هم بازشناخته شود و از جایگاه هریک از این اجزا در کلیت فرهنگ تعریفی دقیق و روشن ارائه شود. به علاوه، عوامل مؤثر در اجزای فرهنگ یا کلیت آن تعریف شود و میزان تأثیرگذاری هریک از این عوامل و میزان تأثیرپذیری هریک از اجزای فرهنگ تا حد امکان مشخص شود.

گام بعدی آن است که با استفاده از مجموعه ابزارهای مادی و معنوی، عوامل مؤثر در اجزا یا کلیت، فرهنگ جهان اسلام را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهیم و به وسیله آن بکوشیم تا اجزای فرهنگ به گونه‌ای چیده شود که کلیت فرهنگ، ترکیب و صورتی منطبق بر نقشه ترسیم‌شده به خود بگیرد. با

توجه به این که فرهنگ دو بخش ثابت و پایدار و پویا و در حال تغییر دارد، در نقشه ترسیم شده فرهنگی نیز بخش‌های ثابت و تغییرناپذیر و بخش‌های تغییرپذیر و تحول‌گرا پیش‌بینی شده است. فرهنگ موجود جهان اسلام براساس شرایط تاریخی، جغرافیایی و بر اثر ارتباط و تعامل سه فرهنگ مهم اسلامی، ملی و جهانی شکل گرفته است. تعیین سهم و چگونگی تعامل هریک از این فرهنگ‌ها در شکل‌دهی فرهنگ عمومی جهان اسلام از جمله الزامات مهندسی فرهنگ به‌شمار می‌رود.

رصد فرهنگی یکی از مقدمات مهندسی فرهنگ است که به منظور شناخت صحیح تمامی ابعاد، ویژگی‌ها، مسائل و مشکلات فرهنگ ملی و همچنین جزئیات فرهنگی و نحوه تأثیر عوامل مختلف بر فرهنگ ملی باید مدنظر قرار گیرد. در کنار این شناخت دقیق، ارزیابی جریان‌های فرهنگی در سطح ملی، منطقه‌ای و حتی محلی و قومی از ارکان و اصول مهندسی فرهنگ انسجام در جهان اسلام است.

تبدیل مهندسی فرهنگ به یکی از گفتمان‌های غالب در جامعه و ایجاد نهضت فکری بین‌نخبگان و علاقه‌مندان به حوزه فرهنگی سبب می‌شود زمینه‌های لازم برای تهیه طرح دقیق مهندسی فرهنگ فراهم شود؛ چراکه مشارکت همگانی و همه‌جانبه سبب خواهد شد به زوایای پنهان طرح مهندسی فرهنگ و اجرای کارآمد آن توجه شود.

«اعتمادسازی متقابل» مهم‌ترین رکن مهندسی فرهنگ تعامل در جهان اسلام است. اعتمادسازی فرآیندی است که برای افزایش و ارتقای ثبات در روابط نظامی و امنیتی دو یا چند کشور به کار می‌رود. این هدف از طریق شفافیت بیشتر، تبادل ارتباطات و اطلاعات تأمین می‌گردد. مفهوم کانونی در اعتمادسازی، شفافیت است، شفافیت به منظور کاهش عدم اطمینان و نگرانی‌های طرف‌های مختلف از وضعیت نظامی همدیگر است که منجر به اعتماد آن می‌شود. به عبارت دیگر اعتمادسازی اقدامات و ترتیباتی است که رفتار نظامی و بحران، حمله غافلگیرانه و خشونت‌های کم‌شدت و خفیف‌تر از جنگ می‌انجامد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۸۱)

شاید نتوان به اعتماد کامل در روابط بین‌المللی در جهان اسلام دست یافت ولی با اتخاذ راهکارها و به‌کارگیری سازوکارها و ابزارهای مختلف تدابیر اطمینان‌بخش رفع یا حداقل کاهش سوءظن و بدبینی کشورها نسبت به یکدیگر امکان‌پذیر است. این امر به‌ویژه برای کشورهایی که به درست یا نادرست، غیرقابل اعتماد معرفی می‌شوند، اهمیت و ضرورت بیشتر دارد. (همان)

مهندسی فرهنگ تعامل در جهان اسلام کارکردهایی نیز به‌دنبال خواهد داشت:

۱. تقویت آینده‌نگری: آینده از قبل طراحی نشده بلکه ما هستیم که آینده را می‌سازیم. آینده امری است که برخی می‌توانند با اقدامات هدفمند خود طراحی کرده و شکل دهند. دوراندیشی در حقیقت تصمیم‌گیری مربوط به آینده در زمان حال است.

۲. تعیین جهت گیری مناسب: مهندسی فرهنگ تعامل در جهان اسلام چشم انداز خلق می کند، در ایجاد چشم انداز ایده های خلاقانه، فهم و بصیرت از محیط، درون مایه های اصلی کار هستند.
۳. مدیران و سیاستمداران دغدغه مند نسبت به انسجام اسلامی را وادار به هوشیاری بیشتر نسبت به کشف فرصت ها و تهدیدات می نماید.
۴. کوشش ها را متمرکز می کند: در مهندسی فرهنگ تعامل از آنجا که هدف و مسیر حرکت روشن است، در واقع نوعی تمرکز نیرو در این راستا ایجاد می شود که نتیجه آن می تواند دستیابی به هم افزایی در فعالیت های گروهی باشد.
۵. تحقق چشم مسئله یاب در میان نخبگان جهان اسلام در عرصه انسجام اسلامی.^۱
۶. برخورداری از دغدغه اثربخشی آموزه امت در جهان اسلام.^۲

نمودار کارکردهای مهندسی فرهنگ تعامل در جهان اسلام



۱. دیدن رخنه ها، خلل و نیازهای عینی، حاصل مواجهه دقیق و تبیین آموزه امت واحده است. کسانی که در مواجهه با امور، معضلات و مسائل را می یابند، در هدف گذاری موفق ترند.
۲. برای کسی که فاقد نگرانی اثربخشی است و صرفاً برای اسقاط تکلیف به موضوع می نگرد هدف مهم نیست و برنامه را فاقد کارایی می کند.

۴. الزامات مهندسی فرهنگ انسجام و وحدت در جهان اسلام

در مهندسی فرهنگ انسجام و وحدت نباید از کنشگران فرهنگی در این زمینه غافل بود. از نخستین کسانی که ضرورت همبستگی میان مسلمانان را احساس کرد و ندای اتحاد در برابر استعمارگران و پیکره پاره‌پاره جهان اسلام سر داد، سید جمال‌الدین بود. (صاحبی، ۱۳۸۳: ۴۳۳) باید توجه داشت که عبدالمجید سلیم، رئیس اسبق دانشگاه الازهر و نایب‌رئیس دارالتقرب اسلامی، از منادیان خستگی‌ناپذیر تقریب مذاهب اسلامی به‌شمار می‌آید. وی کتاب‌ها، مقاله‌ها و نامه‌های فراوانی را در این زمینه به رشته تحریر درآورده است. (بی‌آزار تهرانی، ۱۳۸۱: ۴۱۴؛ طهرانی، ۱۴۰۴: ج ۳: ۲۸۰۱؛ خفاجی، ۱۴۰۸: ۷۰۳) رویکرد تقریبی شیخ محمود شلتوت در تفسیر قرآن نیز ستودنی است. یکی از کارهای بسیار مهم و پرارزش وی، پرداختن به تفسیر قرآن، عامل وحدت مسلمانان در مجله رساله‌الاسلام بود. این تفسیر که با هدف تقریب نگارش یافت، به دور از کشمکش‌های مذهبی طی چهارده سال در مجله دارالتقرب چاپ و منتشر شده است.

عبدالحسین شرف‌الدین عاملی، (قلی‌زاده، ۱۳۷۲: ۸۰) محمدحسین کاشف‌الغطاء (بهشتی، ۱۳۷۰: ۱۰) و آیت‌الله بروجردی (مطهری، ۱۳۷۲: ۵۰۲) از دیگر منادیان وحدت در جهان اسلام بودند؛ و درنهایت باید از امام خمینی ره بزرگ منادی انسجام اسلامی یاد کنیم. از نظرگاه امام خمینی ره فرهنگ برادری، که مبتنی بر عقد اخوت که خداوند بین مسلمانان وضع نموده، جوهره و جلوه وحدت، اعتقادی - دینی است، که حافظ و تقویت‌کننده اتحاد مسلمین می‌باشد. (امام خمینی، ج ۱۲، ۱۳۸۹: ۳۶)

امام خمینی ره معتقد بود وحدت تمام فرق اسلامی بر پایه مشترکات اعتقادی، به‌معنای نزدیک شدن فرقه‌ها و مذاهب اسلامی به یکدیگر، با حفظ کیان و ماهیت آن‌ها و حفظ اصول مشترک و پرهیز از نزاع و درگیری فرقه‌ها با یکدیگر است. (همان، ج ۲۱، ۲۰۶ - ۱۶۹)

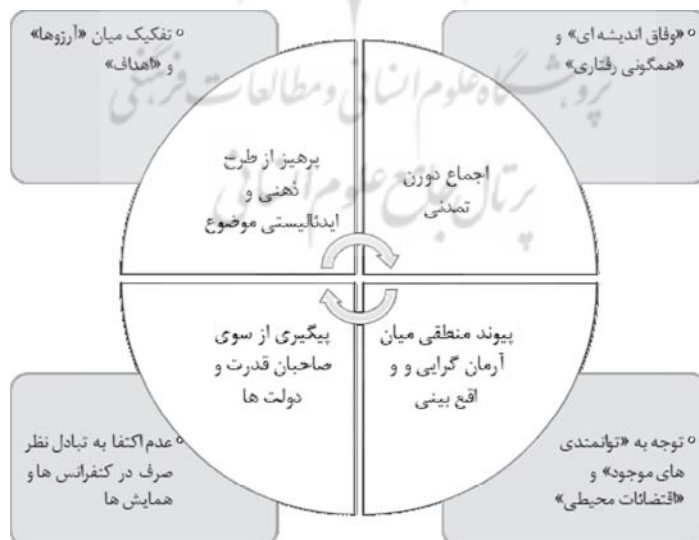
در الزامات مهندسی فرهنگ انسجام در گام اول باید با نیم‌نگاهی جستجوگر این واقعیت باشیم که جمهوری اسلامی در مهندسی فرهنگ وحدت و همگرایی در جهان اسلام، نباید طرحی ایدئالیستی و کاملاً ذهنی، بدون توجه به مؤلفه‌های عینی ارائه دهد. به عبارتی باید میان آرزو و هدف تفکیک شود؛ و باید آرزوی وحدت از وضعیت ذهنی و ایدئالیستی فاصله بگیرد و همواره به نحوی مطرح شود که القاکننده هدفی باشد که جمهوری اسلامی به‌صورت جدی به‌دنبال آن باشد. از سویی دیگر در این زمینه باید به مقدمات لازم توجه داشت و نباید صرفاً به‌دنبال حداکثرها بود به عبارتی باید به واقعیت‌های موجود در جهان اسلام توجه داشت (واعظ‌زاده خراسانی، ۱۳۸۲: ۲۱) و از رویکرد صرف آرمان‌گرایانه پرهیز کرد. درحالی‌که وحدت سیاسی، آخرین منزل و نهایی‌ترین حد همگرایی است که

برای حصول آن اقدامات بسیاری لازم است؛ پس همگرایی نه از آخرین مرحله که از حداقل‌ها آغاز می‌گردد؛ به این معنا که هم حوزه همگرایی محدود و مشخص باشد، هم کشورهای آغازکننده آن محدود باشند. به عبارتی با تکیه بر الگوی «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» باید پیوندی منطقی بین آرمان‌گرایی و واقع‌بینی برقرار ساخت. اهتمام به آرمان‌ها در عین در نظر گرفتن واقعیت‌ها از رهگذر توجه به قواعد توانمندی‌های موجود (وُسع) و مرحله‌بندی هدف‌ها براساس اقتضائات محیطی (تدرّج) موجب می‌شود که مسئله انسجام و وحدت اسلامی در مسیر عملیاتی کردن هدف‌های خود و رفع بسیاری از چالش‌های نظری و مفهومی گام‌های مؤثر و عملی بردارد.

آنچه بیشتر مورد تأکید این قلم است این‌که جمهوری اسلامی باید تلاش کند تا همگرایی و انسجام اسلامی از سوی سازمان‌ها و مراکز دولتی و صاحبان قدرت در جهان اسلام پیگیری شود. واقعیت این است که طرح وحدت و رسیدن به همگرایی، تنها از طریق تبادل نظر در کنفرانس‌های علمی و نشست‌ها امکان‌پذیر نیست، در واقع این دولت‌ها هستند که می‌توانند با درک درست از واقعیت‌های جهان امروز به راهکارهای عملی‌تر برای برداشتن گام‌های اولیه در راه انسجام اسلامی کمک کنند.

چنین می‌نماید که جمهوری اسلامی باید به یک «اجماع درون تمدنی» بر موضوع تحقق امت و انسجام اسلامی در جهان اسلام دست یابد. یعنی تمامی نخبگان فکری تأثیرگذار جهان اسلام این اصل را به رسمیت بشناسند که تحقق تمدن نوین اسلامی بدون توجه به انسجام اسلامی ناممکن است. «وفاق اندیشه‌ای» و «همگونی رفتاری» از مهم‌ترین برون‌دادهای اجماع درون تمدنی بر این موضوع است.

نمودار الزامات مهندسی فرهنگ انسجام و وحدت در جهان اسلام



۵. گونه‌شناسی چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی در مهندسی فرهنگ انسجام و وحدت

در جهان اسلام

«تحلیل فرهنگی»^۱ نیازمند رصد محیطی جهان اسلام است. نیک می‌دانیم که هر آموزه، ایده و تئوری برای کارکرد عینی در جامعه دارای نقاط ضعف و قوت بی‌شماری است؛ و تجویزگران فرهنگی بایستی، از طریق تجزیه و تحلیل‌های عینی، گردآوری و ارزیابی اطلاعات مختلف و درک و شناخت موقعیت داخلی، تصویر روشنی از نیم‌رخ مجموعه خود به دست آورند.



۱-۵. چالش‌های موجود در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی

سیاست‌گذاری فرهنگی یعنی تعیین خطوط و خط‌مشی‌هایی که جامعه باید در عرصه فرهنگی آن را در نظر داشته باشد. به عبارتی سیاست‌گذاری فرهنگی شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع عملکرد فرهنگی یک نهاد یا نظام اجتماعی استیلا دارد. (افتخاری و باباخانی، ۱۳۹۵: ۶۱)

1. Cultural Analysis.

نباید از نظر دور داشت که برخی از چالش‌ها تدوین و تعیین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های حرکت فرهنگی در عرصه انسجام اسلامی را هدف قرار می‌دهند و در تصمیم‌سازی‌ها اثرگذار هستند.

الف) تعارضات ایدئولوژیک فرهنگی (چالش منافع ملی و مصالح امت)

هنوز در جهان اسلام دیدگاه‌هایی وجود دارد که بعضاً میان منافع ملی و بایسته‌های ایدئولوژیک و یا مصالح دینی قائل به تعارض است. (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۲۱) برخی معتقدند میان مسئولیت‌های فراملی دولت دینی، آرمان حکومت جهانی واحد و ...، با منافع ملی که با حدود و ثغور جغرافیایی و هویت یک ملت خاص محدود می‌شود، تناقض وجود دارد و این تناقض در عرصه نظر را به تعارض در صحنه عمل نیز می‌کشاند. مفهوم منافع ملی در رویکرد تلفیقی که هم به الزامات محیط عملیاتی (تمامیت ارضی، موقعیت جغرافیایی، نیازهای داخلی، پیشینه و سنت‌های تاریخی و ...) توجه دارد و هم به محیط روانی تصمیمات، ارجحیت‌های ذهنی و آرمانی دولت‌مردان، می‌تواند دست‌کم در عمل، اهداف و سیاست‌گذاری‌ها، جهت‌گیری‌ها و راهبردهای سیاست‌های داخلی و خارجی را از تعارض در امان نگه دارد؛ زیرا منافع ملی در رویکرد جدید (تلفیقی)، تنها بر میزان قدرت (بالفعل) متکی نیست که تسلیم وضع موجود باشد و از طرفی تنها بر اهداف و آرمان تکیه ندارد که موجودیت، بقا و استمرار کشور را دچار مخاطره سازد بلکه برابندی از اهداف و قدرت است.

وحدت و انسجام اسلامی با خلق مسئولیت‌گرایی در جهان اسلام درصدد رفع تعارض منافع ملی و مصالح اسلامی است. مسئولیت‌گرایی در مقابل نتیجه‌گرایی مطرح می‌شود. مسئولیت‌گرایی مبتنی بر تکلیف و نتیجه‌گرایی، مبتنی بر منفعت است. یکی از مشخصه‌هایی که ملی‌گرایی را از وحدت اسلامی متمایز می‌کند همین عنصر می‌باشد. مسئولیت‌گرایی به‌عنوان یک وظیفه ایدئولوژیک، اهدافی فراتر از مرزهای ملی را دنبال می‌کند. در راستای مسئولیت‌گرایی، جهت‌گیری کشورهای اسلامی بر مبنای منطق نتیجه‌گرایی و در محدوده منافع ملی، قومی، نژادی و تعصبات نژادی تعریف نمی‌گردد. بلکه بر مبنای نوعی تکلیف است که کشورهای اسلامی با توجه به تقابل جبهه حق و باطل برای خود تعریف کرده‌اند.

ب) فقدان درک مشترک فرهنگی از عمق راهبردی انسجام اسلامی

بررسی فضای علمی جهان اسلام بر می‌نماید که دانش‌واژه «وحدت» فراوان در بیانیه‌ها و سخنرانی‌ها قرار می‌گیرد. این درحالی است که ابعاد این آموزه، آن‌چنان‌که شایسته و ضروری می‌نماید، موردبررسی قرار نگرفته است. به همین دلیل از این حیث با سه اشکال اساسی روبرو است:

۱. نقصان در گستره؛ بدین معنا که بعد یا ابعادی خاص از «وحدت و انسجام اسلامی» موضوع

برنامه اجرایی قرار گرفته و سایر ابعاد آن نادیده گرفته شده است. همین امر، تحقق و رضایت نهایی از تحقق آن را با مشکل مواجه می‌سازد.

۲. نقصان در پذیرش؛ بدین معنا که جامعه به دلیل عدم آشنایی با این مقوله، آمادگی لازم برای همراهی با مجریان و یا مساعدت ایشان از طریق تحمل مشکلات و پرداخت هزینه‌های اجرای آن را ندارند. به عبارت دیگر عدم آگاهی مسلمانان، به فرایند تحقق اجتماعی انسجام اسلامی آسیب می‌رساند.

۳. نقصان در اجرا؛ بدین معنا که عدم توجیه سیستم اجرایی جوامع اسلامی، به ضعف هماهنگی و همکاری آن‌ها با یکدیگر برای تحقق کامل و متوازن انسجام اسلامی منجر شده و از این طریق تحقق اجتماعی این آموزه را با مشکل روبرو می‌سازد.

نکته‌ای که در این زمینه می‌توان برکشید این است که کاستی‌هایی از این قبیل دلالت بر آن دارد که فهم فرهنگی این آموزه بر برنامه عملیاتی در عرصه وحدت اسلامی مقدم می‌باشد. منظور از فهم فرهنگی و اندیشه‌ای در اینجا، صرف «شناخت» نمی‌باشد بلکه مجموع اقداماتی است که این پدیده را برای «مسلمانان» معنادار ساخته و نوعی درد مشترک را پدید می‌آورد. برای نیل به چنین فهمی، البته پژوهش‌های موضوع‌شناسانه دارای اولویت منطقی هستند اما نمی‌توان - و نباید - از حیث راهبردی به همین اندازه بسنده کرد.

نمودار چرایی عدم درک مشترک ایدئولوژیک از انسجام اسلامی



برون‌داد عدم درک مشترک فرهنگی از انسجام اسلامی عبارت است از: عدم هدایت آن توسط مرکزی مقتدر، خویشن‌دار و هوشیار در جهان اسلام است. فقدان طرح و قواعد و قوانین مدون، نبود سیستم کنترل و نظارت بر روند مباحث، ابهام در حیطه وظایف و اختیارات نهادهای ناظر، ناآگاهی مدیران فرهنگی جهان اسلام نسبت به مقتضیات زمان که موجب می‌شود وحدت اسلامی از گردونه اصلی خارج شود.

نمودار برون‌دادشناسی عدم درک مشترک فرهنگی از انسجام اسلامی



ج) عدم رعایت منزلت و شأن اشتراکات فرهنگی در جهان اسلام

یکی از مهم‌ترین تأثیرات جهانی‌سازی، تلاش سلطه‌گران برای تحمیل روند تطابق فرهنگی و تحمیل ارزش‌های بیگانه بر جوامع در حال توسعه است. روندی که در برابر تنوع فرهنگی جای می‌گیرد. بازنمودن یکی از این تأثیرات آن است که نیروهای طرفدار جهانی‌سازی که طرفداران توسعه‌طلبی فرهنگی هستند، برای جهانی‌کردن ارزش و فرهنگ خود در سراسر جهان، سعی می‌کنند سایر نظام‌های فرهنگی را حذف یا بی‌اعتبار کنند. یکی از شیوه‌های آن‌ها برای بی‌اعتبار کردن دیگران، ارائه تصویری نادرست و نامناسب از فرهنگ، نظام ارزشی و سنت‌های فرهنگی آن‌ها است. بررسی شیوه مقابله آن‌ها با سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و ارزش‌ها نشان می‌دهد آن‌ها بر تفاوت که کانون اختلاف و منازعه است تکیه می‌کنند نه بر تنوع که ره به سوی وامداری و تحمل دیگری دارد. پافشاری بر این رویکرد باعث انزوای سایر فرهنگ‌ها، نابردباری و قوم‌پرستی خواهد شد. از این رو، هر تلاشی در راستای بیهوده جلوه دادن تنوع فرهنگی و حذف هویت‌های خاص فرهنگی مردود است.

در این میان آنچه بیشتر از همه ضرورت دارد به رسمیت شناختن هنجارهای متنوع فرهنگی در جهان اسلام است. در همه جوامع، گروه‌هایی با ویژگی‌های فرهنگی مختص به خود که آن‌ها را از فرهنگ اصلی و مسلط جامعه مجزا و متمایز می‌کند، وجود دارند. این گروه‌ها، گرچه در بخش‌هایی از فرهنگ مسلط جامعه شریک‌اند، اما دارای ارزش‌ها، هنجارها، زبان یا فرهنگ مادی مشخص و ویژه خود هستند. بر این اساس، به باورها، هنجارها و آداب و رسوم رایج در میان گروهی از مسلمانان که با باورها،

هنجارها و آداب و رسوم متداول و رایج در کل جامعه اسلامی تفاوت دارند خرده‌فرهنگ اسلامی می‌گویند. به عبارت دیگر، مفهوم خرده‌فرهنگ در جهان اسلام اشاره بر الگوهای فرهنگی‌ای دارد که بخشی از جامعه اسلامی را از کل آن جدا می‌کند. به دیگر سخن خرده‌فرهنگ مجموعه‌ای از ادراک‌ها، رفتارها، اعمال و اشیای نمادین و عبارات و واژگانی است که یک گروه ویژه را از اعضای دیگر جامعه مجزا و مشخص می‌کند. (عضدانلو، ۱۳۸۸: ۲۸۱)

بر این که یک خرده‌فرهنگ هستی یابد، افراد باید هویت خود را در ارتباط با یک گروه شناسایی کنند (گر چه ممکن است هویت‌های اجتماعی دیگری داشته باشند) و با کسانی کنش متقابل داشته باشند که آن‌ها نیز هویت خود را در ارتباط با همان گروه شناسایی می‌کنند.

توجه هم‌زمان به اسلام به عنوان جنبه مشترک همه اقوام جوامع اسلامی و جلوگیری از ترویج برنامه‌های تحریک‌آمیز از رسانه‌های گروهی جهان اسلام، نیرومندسازی و مطرح کردن عناصر هویت اسلامی، سیاست‌گذاری‌های اصولی، مدون، بلندمدت و به دور از احساسات در رابطه با اقوام مختلف در جهان اسلام، رعایت شأن و منزلت اجتماعی و برابر دانستن همه اقوام مختلف در جهان اسلام و تصویب قانون در مورد برخورد قاطع با متخلفان جهت جلوگیری از ایجاد تنش و شکاف قومی و... از جمله مواردی است که باید مدنظر سیاست‌گذاران جهان اسلام در این زمینه قرار گیرد.

الزامات و بایسته‌های به رسمیت شناختن خرده‌فرهنگ‌ها در جهان اسلام



۲-۵. چالش‌های موجود در عرصه برنامه‌ریزی فرهنگی

مداخله هدفمند و آگاهانه انسانی در سیر حوادث و فرایندهای فرهنگی را «برنامه‌ریزی فرهنگی» می‌گویند. (سپهلی، ۱۳۹۱: ۲۳) برنامه‌ریزی فرهنگی ملاک تصمیم‌گیری‌های اجرایی فرهنگی است. به عبارتی برنامه‌ریزی فرهنگی ارتباط بین خطامشی و برنامه عملیاتی است. ضرورت برنامه‌ریزی فرهنگی در عرصه انسجام اسلامی از آن سو می‌باشد که جوامع اسلامی تحول‌های سریع و ناهمگون و نابرابر را تجربه می‌کند، هم‌زمان احتیاج به نظم و تغییرهای همگون و جهت‌دار دارد. عدم توجه به تنوع و تعدد قومی و نیز تنوعات فرهنگی در جهان اسلام سبب شده است که تصمیم‌گیری‌ها در عرصه انسجام اسلامی بعد از تعیین خطامشی‌ها با مشکل روبرو شوند.

الف) حاکمیت ساختار قبیله‌ای و قومی

یکی از واقعیت‌های اجتماعی کشورهای مسلمان غرب آسیا و شمال آفریقا، حضور و در واقع حاکمیت ساختار قبیله‌ای بر جامعه است. در برخی از کشورهای این منطقه، بافت قبیله‌ای جامعه با ساختار سیاسی فرقه‌ای و قومی موجود درهم‌تنیده، اختلافات منطقه‌ای و مبتنی بر نگرش نژادی را تشدید می‌کند. قبیله با ساختار مستحکم خود، ضمن اثرگذاری بر آگاهی مدنی شهروندان، امکان تحول و تغییر را به حداقل می‌رساند. افزون‌براین، نگرش قبیله‌ای، شکاف‌ها را تشدید می‌کند.

وجود بافت قبیله‌ای در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در عرصه انسجام اسلامی موردتوجه قرار نمی‌گیرند. قبیله‌گرایی چون مبتنی بر عرف‌های خاص هر قبیله است و معمولاً نیز قبایل با یکدیگر بر سر منابع و حیظه قلمرو نزاع دارند، به همین دلیل به‌عنوان مانعی اصلی در سیاست‌های توسعه سیاسی اجتماعی ظاهر می‌شوند و پذیرش گذر از فرهنگ قبیله‌ای و سنتی به فرهنگ مدرن برای قبایل بسیار سخت و مقاومت شدید قبایل را به همراه خواهد داشت.

نگاهی گذرا به برخی از کشورهای اسلامی روشنگر این حقیقت است که رشد و اوج «هویت‌خواهی قومی» (داوری اردکانی، ۱۳۶۵: ۴۴) از بزرگ‌ترین موانع تحقق شکل‌گیری «هویت دینی» است. گسترش و فراگیری هویت خواهی قومی متأثر از درک و تجربه مشترک از بی‌عدالتی و به حاشیه رانده شدن هاست؛ بدین لحاظ هویت‌خواهی‌های قومی نیز اموری انفعالی هستند که گروه‌های قومی جهت دفاع از هویت و بقای گروه خویش از آن سود می‌جویند. (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۶۶) عواملی چند سبب می‌گردد اختلافات قومی به تعارضات سیاسی تبدیل گردند. برخی از مهم‌ترین این عوامل عبارتند از: رقابت بر سر منابع، کثرت‌گرایی فرهنگی، شرایط نظام بین‌الملل، سیاست‌های تبعیض‌آمیز و عدم پیگیری و جدی انگاشتن سیاست‌های انسجام‌بخش. (همان)

یکی از دلایل اصلی رژیم‌های اقتدارگرا در تحکیم بافت و ساختار قبیله‌ای جامعه، پیش‌گیری از حرکت به سوی مردم‌سالاری بود که طبعاً پیش از هر چیز سلطه آن‌ها را تهدید می‌کرد.

واقعیت‌های یادشده به‌عنوان موانعی در برابر تحقق امت واحده اسلامی قد علم می‌کند؛ زیرا از یک سو امکان حاکم شدن نظامی بنا بر خواست مردم مسلمان منطقه و به دور از سنت‌های قبیله‌ای را دشوار می‌سازد و از دیگر سو امکان بهره‌گیری طرفداران نظم سیاسی پیشین از ساختار قبیله‌ای جامعه در راستای دست‌اندازی به نظم نوین ناشی از هویت اسلامی را می‌گیرد. در واقع، آنچه ساختار قبیله‌ای را در مقابل تغییر و پیشرفت قرار می‌دهد، تضادی است که تغییر با فلسفه وجودی و ساختار سلسله‌مراتبی سنت‌گرای قبیله‌ای دارد. این واقعیت، آینده تمدن اسلامی را نیز از مجرای تضادی که این تمدن با واقعیت‌های بافت و ساختار قبیله‌ای جامعه دارد، تهدید می‌کند.

جالب آنکه بسیاری از حکومت‌های خودکامه در مناطق اسلامی، با تکیه بر همین ساختار قبیله‌ای، از طریق تقویت و تحکیم چنین ساختاری، از آن برای تداوم حکمرانی اقتدارگرای خویش که طبعاً با خلق و خوی قبیله‌ای موجود در کشورهای عربی سازگار است استفاده کنند. مسئله‌ای که از سوی پژوهشگرانی نظیر «یوسف الدینی» در یمن، «جیف سیمونز» در عراق و «مصطفی الفیتوری» در لیبی به آن تصریح شده است. (سیمونز، ۲۰۰۴م: ۴۵)

برای نمایاندن بهتر این موضوع گفتنی است که بافت قبیله‌ای به رژیم‌های اقتدارگرا اجازه تحکیم حکمرانی خویش از مجرای بهره‌گیری از شکافت‌های ساختاری جامعه را می‌دهد. شکاف‌های ساختاری در جامعه از عمق و ژرفای بیشتری در آگاهی‌های جمعی برای مواجهه نیازمند است. به عبارتی چنین شکاف‌های طبقاتی به اراده‌های جمعی یک ملت شکل و جهت می‌دهد و به همین دلیل می‌بینیم در کشور همانند یمن وفاداری به قبیله مهم‌تر و غرورانگیزتر از وفاداری به کشور است و یا در مصر شکاف قبلی و مسلمان بالاتر از وفاداری به مصر به‌عنوان منبع اصلی وفاداری جای می‌گیرد.

این شکاف‌ها بسیار اساسی بوده و تهدیدهای جدی را متوجه جوامع اسلامی می‌کند. حل و فصل این چالش‌ها صرفاً در بلندمدت امکان‌پذیر است و در کوتاه‌مدت تنها می‌توان به مدیریت آن‌ها امیدوار بود و در نتیجه موفقیت و دستیابی به دستاوردهای تحقق امت واحده از مجرای مدیریت این شکافت‌های اجتماعی امکان‌پذیر خواهد بود.

در ارزیابی نهایی می‌توان استدلال کرد که وجود قوم‌های مختلف با فرهنگ‌های مختلف در بعضی جنبه‌ها در ذات خویش برای هویت امت‌محور جهان اسلام یک چالش نیست. بلکه عناصر دیگری از جمله تحریکات خارجی و سوءبرداشت‌ها می‌تواند به گسترش تضاد هویتی کمک کند. (حافظانیا و کاویانی، ۱۳۸۵: ۲۵)

آنچه محل تأکید این قلم است این مهم است که اگر تمدن اسلامی بخواهد از مسیر پرتلاطم دوره گذار به سوی نظام‌های مردم‌سالار مبتنی بر رأی مردم مسلمان مناطق مختلف با موفقیت بگذرد، باید برنامه‌هایی برای تعامل با ساختار و بافت قبیله‌ای موجود در اکثر کشورهای عرب غرب آسیا بیابد تا بتواند ضمن حرکت به سمت مردم‌سالاری دینی، ساختار قبیله‌ای را به سوی ساختار مدنی و مبتنی بر حقوق شهروندی و نه تکالیف زندگی قبیله‌ای و وفاداری‌های آن - که گاه مستقیماً با وفاداری به ارزش‌های اسلامی و اجتماعی در تضاد قرار می‌گیرد - رهنمون سازد.

ب) چندفرهنگی‌گرایی در جهان اسلام

در ابتدا ناگزیر باید اشاره کنیم که از «چند فرهنگ‌گرایی»^۱ و «تنوع فرهنگی»^۲ تعاریف و برداشت‌های متفاوتی ارائه شده است. لازم به ذکر است که بیشتر محققانی که به تعریف چندفرهنگی و تنوع فرهنگی پرداخته‌اند، پیش از تعریف این‌گونه مفاهیم، به تمییز و تشخیص دو واژه «تفاوت فرهنگی»^۳ و «تنوع فرهنگی» پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند، این دو مفهوم به کلی با یکدیگر متمایزند و نتایج و پیامدهای متفاوتی در بطن خود می‌پروراندند. (کریمی و مؤذن، ۱۳۹۰: ۳۲) از نظر آن‌ها، تنوع فرهنگی غالباً به مفهوم گوناگونی فرهنگی و در معیاری وسیع‌تر، تفاوت فرهنگ جوامع مختلف انسانی در مناطق مختلف به کار رفته است. اساس تنوع فرهنگی، تفاوت فرهنگی است. مفهوم تفاوت فرهنگی بر ناهمانندی و عدم تشابه در یک جامعه یا میان فرهنگ جوامع تأکید دارد. درحالی‌که تنوع فرهنگی، با اینکه تفاوت فرهنگی بین انسان‌ها، اقوام و گروه‌ها را تصدیق و تأیید می‌کند، اما در همان حال بر تشابهات و همانندی‌ها نیز تأکید کرده و آن‌ها را بسط می‌دهد. (دهشیری، ۱۳۹۳: ۲۶۰)

اهمیت جدا کردن «تفاوت فرهنگی» از «تنوع فرهنگی» در این اندیشه نهفته است که تصور تفاوت، خویشاوندی ارزش‌های مشترک را امکان‌ناپذیر فرض می‌کند و بر پیامدهای منفی تفاوت تأکید می‌کند. بر عکس آن، تنوع یک تصور مثبت است و پیش‌فرض آن این است که دریافت ارزش‌های مشترک ممکن است. تنوع فرهنگی در جهان اسلام وجه تشابه و همانندی را مورد تصدیق قرار می‌دهد و فرض آن بر این است که ما همه مسلمان هستیم اما ویژگی‌ها و فرهنگ‌های مختلفی داریم. توسعه‌گفتمان تفاوت ممکن است به منازعه منجر شود، درحالی‌که توسعه‌گفتمان تنوع به آگاهی از تفاوت منجر می‌شود.

براساس رویکرد تنوع فرهنگی باید پذیرفت که مسلمانان می‌توانند با توجه به مبانی فکری، دینی، مذهبی و فرهنگی خود تعاملی عینی با دیگر مسلمانان داشته باشند. به‌هرروی نمی‌توان پذیرفت که یک

1. Multiculturalism.
2. Cultural Diversity.
3. Cultural Difference.

چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی در مهندسی فرهنگ انسجام و وحدت در جهان اسلام □ ۱۰۱

نسخه واحد فرهنگی و یکسان به صورت واحد در میان بیش از یک میلیارد مسلمان، تعهدآور و الزام‌آور تلقی شود. تنها راه حل این است که زمینه‌های احیای مفاهیم، ارزش‌ها و اصول منبعث از وحی، فطرت فراهم شود. بنابراین چندفرهنگ‌گرایی اگر به «گسل‌های فرهنگی و هویتی» تبدیل شود انسجام اسلامی را به مخاطره می‌اندازد.

از جمله موارد چالش هویتی و فرهنگی می‌توان به تلاش برای تغییر نام «خلیج فارس» اشاره کرد. در مورد نام خلیج فارس، مدت پنج دهه است که برخی کشورهای عرب منطقه، از جمله کشورهای واقع در سواحل جنوبی خلیج فارس و برخی دیگر از کشورهای عربی در رسانه‌ها، کتاب‌ها و نقشه‌های جغرافیایی از نام مجعول «خلیج عربی» استفاده می‌کنند و این مسئله به یک چالش هویتی در منطقه میان ایران و کشورهای یاد شده تبدیل شده است.

این ناهمگونی فرهنگی در کشورهای اسلامی عمدتاً به سه دسته بخش‌بندی می‌شوند: کشورهای دارای ناهمگونی زبانی - قومی و اشتراک مذهبی، کشورهای دارای ناهمگونی مذهبی و اشتراک زبانی و کشورهای ناهمگون زبانی، قومی و مذهبی. (درایسدل و اچ بلیک، ۱۳۶۹: ۲۰۳)

در اغلب کشورهای دسته اول در کنار زبان رسمی، زبان‌های بومی و متنوعی وجود دارد که به دلیل همین ناهمگونی زبانی و قومی، یکپارچه‌سازی ملی مقدور نیست، اما از آنجاکه مذهب غالب آن‌ها اسلام است، همه اقلیت‌های زبانی گرد هم آمده‌اند. برای نمونه، کشورهای چاد و الجزایر که بیشتر جمعیت‌شان عرب‌زبان هستند و اقلیت بربر زبان‌اند، اما با تابعیت اسلام مشکل تأخیر وحدت ملی را مرتفع نموده‌اند. کشوری چون ایران نیز با دارا بودن ۹۰٪ مسلمان شیعه، یکی از متنوع‌ترین و ناهمگن‌ترین کشورهای اسلامی به‌شمار می‌آید.

از کشورهای دارای ناهمگونی مذهبی و اشتراک زبانی می‌توان مصر را نام برد. مصر با وجود رسمیت داشتن زبان عربی، یک تقسیم ساده درون فرقه‌ای در آن وجود دارد؛ بدین بیان که همواره میان اکثریت سنی ۹۰٪ و اقلیت قبطی ۱۰٪ با وجود زبان عربی واحد و آداب و رسوم مشترک، نزاعی ممتد وجود داشته است.

عراق نمونه بارز یک کشور ناهمگون زبانی، قومی و مذهبی است. در این کشور سه گروه بزرگ فرهنگی وجود دارد: کردهای سنی ۲۰٪، عرب‌های سنی ۲۵٪ و عرب‌های شیعه ۵۵٪. با اینکه شیعیان دو برابر عرب‌های عراق را تشکیل می‌دهند، در صحنه‌های سیاسی تاریخی عراق حضور کمتری داشته‌اند. با این توصیف اختلاف قومی، زبانی و مذهبی بزرگ‌ترین مانع یکپارچه‌سازی اجتماعی در عراق است.

جدول تنوعات قومی و فرهنگی در ایران (کشاورزشکری، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵)

گروه‌های زبانی، مذهبی و قومی	جمعیت (به درصد)	
فارس	۵۱٪	۱
آذری	۲۴٪	۲
گیلکی و مازنی	۸٪	۳
کرد	۷٪	۴
عرب	۳٪	۵
لر	۲٪	۶
بلوچ	۲٪	۷
ترکمن	۲٪	۸
دیگر	۱٪	۹

جدول تنوعات قومی و مذهبی در عراق (همان، ص ۱۲۴)

گروه‌های مذهبی، زبانی و قومی شاخص	شیعیان	عرب‌های سنی	کردها	ترکمن‌ها
وضعیت جغرافیایی	زیاد	کم	زیاد	کم
تعداد و تراکم جمعیت	زیاد	کم	کم	بسیار کم
مجاورت جغرافیایی	زیاد	زیاد	بسیار زیاد	بسیار کم
پیشینه مبارزه برای استقلال	کم	کم	بسیار زیاد	بسیار کم
سازماندهی گروهی	بسیار زیاد	بسیار کم	بسیار زیاد	کم
موقعیت ژئوپلیتیک	بسیار زیاد	بسیار کم	زیاد	بسیار کم
منابع غنی زیرزمینی	بسیار زیاد	بسیار کم	زیاد	کم
جمع‌بندی	ظرفیت بالای استقلال	ظرفیت نسبی برای استقلال	ظرفیت بالای استقلال	ظرفیت کم استقلال

۳-۵. چالش‌های موجود در عرصه اقدام و عمل فرهنگی مطالعات فرهنگی
 «اقدام و عمل فرهنگی»، به معنی شروع کار فرهنگی، انجام کار، ساختن، تلاش و کوشش فرهنگی است. به عبارتی اقدام و عمل فرهنگی مجموعه‌ای از تلاش‌های فرهنگی است که در پاسخ به وضعیتی رو به گسترش انجام می‌شوند. این اقدامات به صورت یک نقشه یا طرح فرهنگی تهیه می‌شوند تا اوضاع خاص فرهنگی را به نفع برنامه‌ها و خط‌مشی‌های از قبل تعیین شده تغییر دهند.

الف) حاکمیت نگرش امنیتی به مطالبات قومی و مذهبی در جهان اسلام

سوگمندان باید گفت که امنیتی کردن مسائل قومی - مذهبی در جهان اسلام از چالش‌های فراروی اقدام و عمل فرهنگی در عرصه انسجام اسلامی است. به این معنا که در بسیاری از کشورهای اسلامی گروه‌های قومی و مذهبی منبع تهدید علیه کشور، تمامیت و امنیت آن به حساب می‌آیند و از این رو در

دایره مسائلی قرار می‌گیرند که به امنیت کشور مربوط شده و به اصطلاح امنیتی می‌شود. این امر موجب می‌شود تا نخبگان و دولتمردان در برخورد با مسئله مذکور آن را از حالت موضوعی مربوط به سیاست عادی و معمول خارج کنند و به صورت ویژه تحت کنترل درآورند.

در خصوص مسائل قومی و فعالیت‌های گروه‌های قومی و مذهبی باید اشاره داشت هر جا که معضل قومی به صورت حاد و مخاطره‌آمیز درمی‌آید، در همه کشورها برخورد با آن در حیطه امور امنیتی قرار می‌گیرد. لیکن در گفتمان انسجام اسلامی تلاش بر این است که طیف وسیع‌تری از فعالیت‌های قومی و مذهبی از دایره مسائل امنیتی خارج و در ساحت مسائل عادی و معمول وارد شود. بنابراین، می‌توان گفت که تفاوت التزام به انسجام اسلامی و عدم التزام به آن در ساحتی است که برای فعالیت‌های قومی غیرامنیتی قائل می‌شوند. در برخی از کشورهای اسلامی حلقه آزادی‌ها تنگ‌تر است و حتی انتشار کتاب و نشریه برای یک اقلیت مذهبی یا قومی و نژادی ممکن است معضل امنیتی قلمداد شود.

در بیشتر کشورهای جهان اسلام، ضمن داشتن نگرش «توطئه‌بین»^۱ در سطح نخبگان که باعث می‌شود همه مطالبات و خواسته‌های گروه‌های قومی و مذهبی اقلیت را با دیده شک و دسیسه بیگانگان و یا همسایگان ببینند، در وضعیت منطقه‌ای خاصی قرار دارند. وضعیتی که طی آن خواسته‌های قومی حاصل تحریک دشمنان است. بنابراین چنین تصور می‌کنند که در صورت تأمین نظرات گروه‌های قومی و مذهبی، بخشی از کشور تجزیه شده و به دامان دشمن (که معمولاً کشوری همسایه است) در خواهد غلتید.

ب) شکاف بین تغییرها و تدبیرهای فرهنگی

تغییرات در جهان امروز و به‌ویژه در جهان اسلام بسیار توفنده و سریع عمل می‌کنند اما کارنامه عملکرد کسانی که در مواجهه با تغییرات می‌کوشند نشان می‌دهد که تدبیرها معمولاً در پس تغییرها شکل می‌گیرند. از همین رو اقدامات فرهنگی نیز اثرگذار نیستند.

تغییرات فرهنگی در جهان اسلام، حاصل تغییرات فکری، ذهنی و رفتاری همه مسلمانان و مبادلات فرهنگی، فکری و علمی، تکنولوژیکی کشورهای اسلامی است؛ و حال اگر به هر دلیلی، وجود و تداوم باورهایی برای ادامه انسجام یک جامعه ضرورت داشته باشد، منطقی است که باید همه اعضای یک جامعه در هر موقعیتی در حفظ و تداوم آن باورها حساس شوند.

۱. به معنای آمیختگی فرهنگ با ملاحظات امنیتی به گونه‌ای که با خرده‌فرهنگ‌های قومی و میکروناسیونالیسم برخورد سخت‌افزاری صورت پذیرد بدون اینکه آستانه امنیت فراتر تلقی شود، و همچنین بروز هر ناهنجاری به‌عنوان مقوله‌ای ضد امنیتی قلمداد شود.

تغییر و تحول فرهنگی امروزه به‌عنوان یک واقعیت پذیرفته شده است و نمی‌توان و اساساً نباید مانع آن شد؛ اما بی‌تفاوت ماندن در مقابل این تحول و رها کردن آن به حال خود موجب می‌شود عواملی که تأثیر مثبت دارند تضعیف شوند و در مقابل، عواملی تقویت گردند که تأثیرات منفی به‌جا می‌گذارند و در نتیجه تحول فرهنگی جهتی منفی بیابد. درحالی‌که اگر مسئولان به تحول فرهنگی نگریده‌شده شود، می‌توان با برنامه‌ریزی و پیگیری تحولات فرهنگی به‌صورت سازمان‌یافته و هدفمند جهت مثبتی به تحولات فرهنگی بخشید. با دقت و بررسی در موضوع تحول فرهنگی می‌توان با تقویت عواملی که تأثیر مثبتی در مسیر تحولات فرهنگی دارند و تضعیف عواملی که تأثیرات منفی بر تحولات فرهنگی برجا می‌گذارند، مسیر تحول فرهنگی را به جهتی مثبت هدایت کرد و تحول فرهنگی را به‌جای آن که به اضمحلال فرهنگی منجر شود به عاملی برای تکامل فرهنگی تبدیل نمود. از این‌روست که مهندسی فرهنگی به‌عنوان یک ضرورت مطرح می‌شود.

خلاً تفوریک، بی‌اعتنایی به مبانی نظری تحقق انسجام اسلامی، عدم تولید فکر و اندیشه در این زمینه، عدم پرورش انسان‌های اندیشه‌ورز و ایدئولوگ در راستای تدبیر جهان اسلام و برخورد‌های قهری و دافعی با صاحب‌نظران و متفکرین، ما را به موضع انفعالی و واکنشی در برابر تغییرات کشانده است. گاه به‌جای شناسایی علت‌ها و پیشگیری از وقوع حوادث نامطلوب مانند کارآگاهان ناشی عمل می‌کنیم و بعد از وقوع قتل به سر صحنه می‌رویم و هرکدام علت قتل را عامل جداگانه می‌دانیم و درنهایت همدیگر را متهم کرده و بر سر میزان تقصیرمان به نزاع می‌نشینیم.

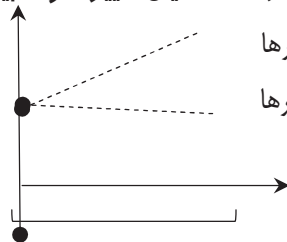
در دو قرن گذشته، نهادهای سنتی اندیشه‌ساز و نخبه‌پرور، جز در موارد انگشت‌شمار، محصول نظری چندانی نداشته و نهادهای جدیدی که در این زمینه تأسیس شده‌اند، نیز جز تقلید و دنباله‌روی کاری انجام نداده‌اند. نگاهی گذرا به روند شکل‌گیری وضع موجود جهان اسلام صحت این مطلب را نمایان می‌سازد. ضعف نظریه‌پردازی و نخبه‌پروری موجب درک نادرست از مسائل اساسی و شیوه‌های حل آن‌ها در جهان اسلام خواهد شد.

لازم به یادآوری است که پرورش‌یافتگان مسلمان در فرهنگ غربی، برای نجات جامعه خود تلاش کرده‌اند تا آن را با الگوی جوامع محل تحصیل منطبق سازند؛ اما آیا می‌توان رفتار جامعه‌ای را با اندیشه‌ها، مفاهیم و الگوهایی منطبق ساخت که نامأنوس و فهم‌ناپذیر است و اگر هم بفهمد، به‌واسطه عدم تطابق آن‌ها با ارزش‌های جامعه خود نمی‌تواند آن‌ها را بپذیرد؟ آیا نخبگان فکری کشورهای اسلامی در دو قرن اخیر بیش از ترجمه و ترویج اندیشه‌های وارداتی کاری انجام داده‌اند؟ آیا می‌توان با برنامه‌های اقتصادی مجامع اقتصادی بین‌المللی و ترجمه آثار اندیشمندان سیاسی و اجتماعی جدای از

چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی در مهندسی فرهنگ انسجام و وحدت در جهان اسلام □ ۱۰۵

فرهنگ ملی اسلامی، تمدنی اسلامی بنا کرد؟ تجربه کشورهای اسلامی در دو قرن گذشته منفی بودن پاسخ به این پرسش‌ها را تأیید می‌کند.

نمودار شکاف میان تغییرها و تدبیرها



روزگار معاصر

باید افزود که عدم تناسب میان سیاست‌های اعلامی و اعمالی به دلیل عدم محاسبه ظرفیت‌ها قبل از بیان وعده‌های سیاسی و فرهنگی در عرصه انسجام اسلامی به شکاف میان تغییرها و تدبیرها در این مسئله دامن می‌زند. از سویی دیگر شعارزدگی و اعلام طرح‌ها قبل از تأمین بودجه‌ها و منابع مالی مورد نیاز و حاکمیت نگرش کمی به مقوله انسجام اسلامی و به‌طور کلی فقدان روش مناسب جهت ارزیابی و سنجش مستمر تحولات فرهنگی در جهان اسلام به این شکاف کمک می‌کند.

نمودار عوامل دخیل در ایجاد شکاف میان تغییرها و تدبیرها در عرصه انسجام اسلامی

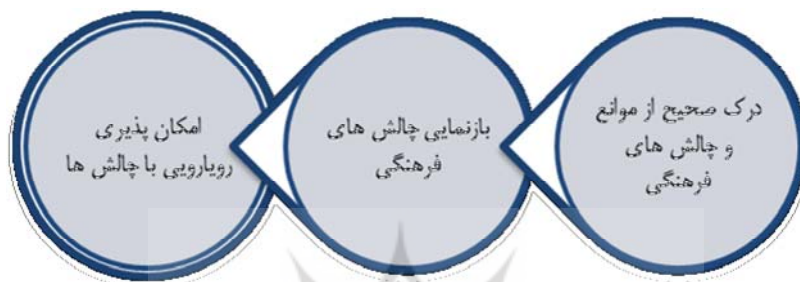


۶. نتیجه

انسجام اسلامی و وحدت به‌رغم سترگی و استواری بسیار، صفایا و مزایای بی‌شمار و پیشینه و گذشته پر بار اینک با چالش‌ها و کاستی‌هایی مواجه است، مواجهه‌ای که ماهیت فراگیر این آموزه و میزان التزام مسلمانان به اصول ماندگار آن را به مخاطره می‌اندازد. ضرورت‌های زمانه، کاوش پیرامون این چالش‌ها و موانع را دارای اهمیتی دوچندان می‌کند.

«امکان‌پذیری رویارویی با چالش‌ها» یکی از مهم‌ترین برون‌دادهای بازنمایی چالش‌ها در مهندسی فرهنگی وحدت و انسجام در جهان اسلام است. به این معنا که مواجهه با چالش‌ها نیازمند اتکا به امکان‌پذیری و قدرت عمل می‌باشد.

برون‌دانشناسی بررسی چالش‌های فرهنگی فراروی انسجام و وحدت



شناخت چالش‌های فراروی مهندسی فرهنگ انسجام در جهان اسلام به منظور طراحی دقیق برنامه‌های عملیاتی در این زمینه امری ضروری است. بررسی این موضوع از این جهت اهمیت فراوان می‌یابد که به تأیید و استواری دکترین انسجام اسلامی می‌انجامد. این جستار نشان داد که تعارضات ایدئولوژیک، عدم رعایت شأن اشتراکات فرهنگی، شکاف بین تعبیرها و تدبیرهای فرهنگی و چندفرهنگ‌گرایی در جهان اسلام از مهم‌ترین چالش‌های فراروی مهندسی فرهنگ انسجام در جهان است.

این پژوهش این بستر را مهیا کرد که چالش‌های تهدیدکننده انسجام اسلامی، در سه فرایند «سیاست‌گذاری فرهنگی»، «برنامه‌ریزی فرهنگی» و «اقدام و عمل فرهنگی» موردتوجه قرار گیرد. در این زمینه باید افزود که چالش‌ها در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا که میدان تصمیم‌سازی فرهنگی است و خطامشی‌ها را طراحی می‌کند.

مدیران فرهنگی جهان اسلام، نقش برجسته‌ای در کم و کیف حرکت به‌سوی آرمان‌ها و اهداف فرهنگی در عرصه انسجام اسلامی ایفا می‌کنند. اگر در سطوح و لایه‌های مدیریت فرهنگی در جهان اسلام؛ اصول‌گرایی، واقع‌نگری، توان و تخصص برنامه‌ریزی با بهره‌گیری از امکانات معنوی و مادی در حدنصاب لازم وجود نداشته باشد، قطعاً نمی‌توان توفیق چندانی را برای ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی در عرصه انسجام اسلامی انتظار داشت.

۷. منابع و مأخذ

۱. ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲. احمد، عزیز، ۱۳۶۶، *تاریخ تفکر اسلامی در هند*، تهران، کیهان.
۳. افتخاری، اصغر و مجتبی باباخانی، ۱۳۹۵، «شاخص‌های سیاست‌گذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی علیه‌السلام»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ش ۲.
۴. بوطنی، محمد سعید رمضان، ۱۳۸۳، *سلفیه: بدعت یا مذهب تقدی بر مبانی وهابیت*، ترجمه حسین صابری، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۵. بهبهانی، مرضیه، ۱۳۸۳، «علامه شرف‌الدین عاملی؛ وحدت‌گرای مبارز»، *مجله اندیشه تقوی*، ش ۱.
۶. بهشتی، احمد، ۱۳۷۰، *شخصیت و اندیشه‌های کاشف الغطاء (الآیات البینات)*، قم، کانون نشر اندیشه‌های اسلامی.
۷. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، ۱۳۸۱، *همبستگی مذاهب اسلامی (مقالات دارالتقوی)*، تهران، الهدی.
۸. پیروزمند، علیرضا، ۱۳۸۸، «مهندسی فرهنگی علم و فناوری»، *مجله پژوهش فرهنگی*، ش ۱۵.
۹. حافظ‌نیا، محمدرضا و راد مراد کاویانی، ۱۳۸۵، «نقش هویت قومی در همبستگی ملی»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، ش ۱.
۱۰. الحسینی، اسحاق موسی، ۱۳۷۵، *اخوان المسلمین*، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، اطلاعات.
۱۱. خفاجی، محمد عبدالمنعم، ۱۴۰۸ ق، *الازهر فی الف عام*، بیروت، عالم الکتب.
۱۲. خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۹، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۱۳. داوری اردکانی، رضا، ۱۳۶۵، *ناسیونالیسم و انقلاب*، تهران، دفتر برنامه‌ریزی پژوهش‌های فرهنگی.
۱۴. درایسدل، آلاسدر و جرالداچ. بلیک، ۱۳۶۹، *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، ترجمه میرحیدر دره، تهران، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۵. دهشیری، محمدرضا، ۱۳۹۳، *درآمدی بر جریان‌شناسی فرهنگی بین‌المللی معاصر*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۶. دهشیری، محمدرضا، دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، «ضرورت و الزامات منطقه‌گرایی در تحقق برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی»، *نگرش راهبردی*، شماره ۸۷، بهمن ۱۳۸۶.
۱۷. دهلوی، عبدالعزیز، بی‌تا، *فتاوی عزیز*، کراچی، رحیمی.

۱۸. رستگار جویباری، یعسوب‌الدین، ۱۴۲۱ ق، *ستاره فروزان علم و عمل*، قم، بی‌نا.
۱۹. سالم بهنساوی، مشاور، ۱۳۹۲، *نقد و بررسی اندیشه تکفیر*، قم، احسان.
۲۰. السوری، ابومصعب، ۲۰۰۵ م، *دعوه المقاومه الاسلامیه*، نسخه دیجیتال.
۲۱. سید قطب، بی‌تا، *معالم فی الطریق*، بیروت، دار الشروق.
۲۲. سیمونز، ۲۰۰۴ م، *عراق المستقبل: السیاسه الامریکیه إعاده تشکیل الشرق الأوسط*، ترجمه سعید العظم، بیروت، دار الساقی،
۲۳. سهیلی، محمد، ۱۳۹۱، *آشنایی با برنامه ریزی فرهنگی*، مشهد، آستان قدس رضوی.
۲۴. صاحبی، محمدجواد، ۱۳۸۳، «سید جمال‌الدین بنیانگذار جبهه اتحاد اسلامی»، مندرج در *سید جمال‌الدین اسدآبادی و نهضت بیداری اسلامی (مجموعه مقالات)*، قم، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۲۵. صالحی‌امیری، رضا، ۱۳۸۹، *انسجام ملی و تنوع فرهنگی*، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۲۶. طهرانی، آقابزرگ، ۱۴۰۴ ق، *تقیاء البشر فی القرن الرابع عشر*، مشهد، دار المرتضی.
۲۷. عضدانلو، حمید، ۱۳۸۸، *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، تهران، نشر نی.
۲۸. عنایت، حمید، ۱۳۷۲، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی.
۲۹. قلی‌زاده، مصطفی، ۱۳۷۲، *شرف‌الدین عاملی چاووش وحدت*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر.
۳۰. کشاورز شکری، عباس، ۱۳۹۲، *فرصت‌ها و چالش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی در خاورمیانه*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع).
۳۱. کریمی، علی و مؤذن، محمدهادی، ۱۳۹۰، «تنوع فرهنگی و تداوم همزیستی آن‌ها در ایران»، فصلنامه *مطالعات ملی*، شماره ۴۵.
۳۲. کویل، ژیل، ۱۳۸۳، *پیامبر و فرعون؛ جنبش‌های نوین اسلامی در مصر*، ترجمه حمید احمدی، تهران، کیهان.
۳۳. لاریجانی، محمدجواد، ۱۳۶۹، *مقولاتی در استراتژی ملی*، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب.
۳۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، *تکامل اجتماعی انسان*، تهران، صدرا.
۳۵. موثقی، سید احمد، ۱۳۸۹، *جنبش‌های اسلامی معاصر*، تهران، سمت.

چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی در مهندسی فرهنگ انسجام و وحدت در جهان اسلام □ ۱۰۹

۳۶. میرحامد حسین، ۱۳۶۶، *عِبَقَاتُ الْأَنْوَارِ فِي الْأَثْبَاتِ أَمَامَهُ الْأَثْمَةُ الْأَطْهَارُ*، قم، کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام.

۳۷. ناظمی، مهدی، ۱۳۸۵، «درآمدی بر مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی»، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، ش ۱.

۳۸. نخعی، هادی، ۱۳۷۷، *توافق و تزاخم منافع ملی و مصالح اسلامی: بررسی تطبیقی سیاست خارجی دولت‌های ملی و اسلامی*، تهران، چاپ و انتشار وزارت امور خارجه.

۳۹. واعظزاده خراسانی، محمد، ۱۳۸۲، «راه‌های تقریب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان»، *مطالعات اسلامی*، ش ۶۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی